

تعریف تمرکززدایی:

"تمرکززدایی" به معنای انتقال قسمتی از اختیارات از سطوح بالای سازمان به سطوح اجرایی به منظور تسریع در تصمیم گیری، ایجاد تنوع متناسب با شرایط و الزامات صرفه جویی در امکانات و منابع است. به عبارت دیگر تمرکززدایی با تفویض اختیار رابطه مستقیمی دارد. پیچیده تر شدن وظایف، بزرگ تر شدن حوزه فعالیت ها، تنوع نیازها، مشکلات اجتماعی و ... از دلایل تمرکززدایی در نظام های آموزشی است. بنا به اظهار بانک جهانی، تمرکز و عدم تمرکز مطلق وجود ندارد، هم چنین تمرکز و عدم تمرکز جدای از هم نیستند و در بسیاری از کشورها توازنی از هر دو برای موثر و کارآمد شدن نظام آموزشی لازم است.

اگر تمرکززدایی در نظام آموزشی را به معنای انتقال قدرت از سطح نظارتی بالاتر به سطح پایین تر استان، منطقه، دانشگاه و کلاس درس بدانیم، می توان ساختار هرم تصمیم گیری را مبنای تعیین میزان تمرکز و فقدان تمرکز در نظام های آموزشی دانست. اخذ تصمیم در خصوص میزان تمرکز در نظام آموزش علوم پزشکی کشور در ۶ سطح زیر قابل تامل می باشد:

ویژگی های نظام های آموزشی با ساختار غیر متمرکز

- ✓ برای نظام ساختار متمرکزی وجود ندارد
- ✓ استان ها بصورت مستقل در ارتباط با امور آموزشی خود تصمیم گیری می کنند.
- ✓ بین استان ها از لحاظ سازمان و اختیارات تصمیم گیری وابستگی وجود ندارد.

ویژگی های نظام های آموزشی با ساختار متمرکز

- ✓ کنترل نظام آموزشی کل کشور به وسیله یک سازمان مرکزی
- ✓ اختیار و مسئولیت نهایی تصمیم گیری بر عهده بالاترین مقام در سلسله مراتب نظام
- ✓ عدم مجوز تصمیم گیری جداگانه توسط استان ها
- ✓ استان ها موظف به اجرای تصمیمات مرکز هستند
- ✓ تصمیمات استان ها مشروط به بازنگری و تایید مرکز می باشد

تمرکززدایی آموزشی:

تمرکززدایی آموزشی جنبشی جهانی است که شامل انتقال قدرت و اختیار تصمیم گیری از سازمان مرکزی به رده های پایین تر و اجرایی می شود. این جنبش موجب برانگیختن و ترغیب ذینفعان به مشارکت در تصمیم گیری های آموزشی می شود. انواع تمرکززدایی آموزشی از دیدگاه هنسون در شکل زیر آمده است.

در بسته ی "آمایش سرزمینی، ماموریت گرایی، تمرکززدایی و ارتقا توانمندی دانشگاه ها"، که پنجمین بسته از برنامه ی تحول و نوآوری آموزش علوم پزشکی است، به سیاست "تمرکززدایی در نظام آموزش عالی سلامت" اشاره شده است. در این مستند سعی گردیده به تعریف برخی جنبه های این مفهوم پرداخته شود.

مقدمه:

نظام آموزشی در هر کشور می تواند تأثیر قابل توجهی بر بازدهی آموزشی آن کشور داشته باشد؛ این نظام با به کارگیری برنامه، اهداف، اصول و سیاست های آموزشی مختلف می تواند، تأثیر متفاوتی از خود به جای گذارد. یکی از سیاست های تأثیرگذار بر عملکرد نظام آموزش علوم پزشکی، درجه ی تمرکز در تصمیم گیری سطوح مختلف آن می باشد.

در سال های اخیر انجام تحقیقات علمی در زمینه ی برنامه ریزی و تصمیم گیری در سطوح مختلف نظام های آموزشی، اطلاعات ارزشمندی را برای تصمیم گیری در خصوص فواید تمرکززدایی در نظام آموزشی فراهم آورده است. از این رو کشورهای مختلف با توجه به اهداف و برنامه های آموزشی خود و دستیابی به توسعه همه جانبه و پایدار، در جهت تمرکززدایی نظام های قدیمی آموزشی خود فعالیت هایی را آغاز نموده اند.

موضوع تمرکز و عدم تمرکز از موضوعاتی است که در طول تاریخ آموزش عالی محل بحث و مناظره ی متخصصان و صاحب نظران بوده است.



نقاط ضعف و قوت تمرکززدایی در آموزش علوم پزشکی:

اجرا و توسعه‌ی هر گونه تغییرات سازمانی، همواره با نظرات ضد و نقیضی همراه بوده است. تمرکززدایی نیز از این قاعده‌مثنی نیست. در شکل ۳ نقاط قوت و ضعف اجرای این برنامه در آموزش علوم پزشکی به اختصار آورده شده است.



نقطه‌ان تمرکز برنامه ای

نقطه‌ان تمرکز مدیریتی

نقطه‌ان تمرکز مالی

اعطای بودجه‌ی کافی و اختیار لازم برای تصمیم‌گیری هزینه‌ها در رده‌های پایین‌تر

اعطای اجازه‌ی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری به مدیران رده‌های پایین‌تر

عدم وجود استانداردهای آموزشی در نظام آموزشی که اتفاقاً نیاز به آن در نظام‌های آموزشی غیر متمرکز نسبت به نظام‌های متمرکز بیشتر احساس می‌شود (گاهی منظور از برنامه‌ی درسی، همان تکست بوک و منبع آموزشی است و گاهی شامل روش تدریس و تمام فعالیت‌های موثر بر آموزش و یادگیری می‌شود)

نتیجه‌گیری:

در سال‌های اخیر تمرکززدایی در تمامی امور و بالاخص آموزش، به شکل برجسته‌ای مد نظر قرار گرفته است. همچنین نتایج تحقیقات و توجه به طیف تمرکز و عدم تمرکز نشان می‌دهد که هیچ سازمانی صرفاً در حالت تمرکز و عدم تمرکز قرار ندارد.

در حال حاضر برای بسیاری از کشورها رفتن به سمت عدم تمرکز یک مد است اما بایستی توجه کرد که عدم تمرکز یک اکسیر جادویی نیست و مشکلات و مسایل خاص خود را به همراه دارد. برای کاهش تمرکز در نظام آموزش باید به طور هم‌زمان از تمام زیرمجموعه‌های یک مجموعه، از جمله بخش مالی، مدیریتی، و برنامه‌ای، کار را شروع کرد و بدترین حالت ممکن زمانی است که تمرکززدایی فقط در یک بخش رخ دهد که این امر کیفیت کار آموزش را بدتر از قبل خواهد نمود. فعالیت‌هایی چون فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم و افزایش مهارت و توانمندی دانشگاه‌های علوم پزشکی و سایر سطوح جهت واگذاری اختیارات، برون سپاری مراکز آموزشی مجازی، در رسیدن به این هدف می‌تواند کمک کننده باشد.

نقاط قوت:

- کاهش مسئولیت‌های خرد مدیران رده بالا و در نتیجه بهبود فرآیند تصمیم‌گیری و رسیدگی به وظایف تولیدی و نظارتی در آموزش علوم پزشکی
- افزایش روحیه‌ی افراد و ابتکار عمل مدیران رده پایین‌تر
- افزایش انعطاف‌پذیری سازمان و همخوانی بهتر تغییرات با محیط اطراف
- تصمیم‌گیری‌های آموزشی مبتنی بر نیازهای استان و منطقه
- احساس مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها توسط دانشگاه‌های علوم پزشکی
- افزایش توان و مهارت‌های تصمیم‌گیری دانشگاه‌های علوم پزشکی
- افزایش امکان اجرایی شدن تصمیماتی که توسط دانشگاه مربوطه گرفته شده

نقاط ضعف:

- کاهش هماهنگی و ارتباط سطوح مختلف علوم پزشکی در صورت عدم وجود کنترل مرکزی
- افزایش تعداد کارکنان سازمان‌های وابسته به علوم پزشکی و در نتیجه افزایش هزینه‌های تحمیلی
- ناکارآمدی و سواستفاده‌ی برخی مدیران به دلیل نبود نظارت کافی

